

نقش وقف در اسلام

در این مقاله نقش وقف در تمدن اسلامی، آماری از موقوفات ایران در گذشته و حال؛ و حدود تصرف در موقوفات بطور فشرده و کوتاه مورد بحث قرار می‌گیرد، و در این بحث تحقیقی، از کتب فراوانی استفاده شده است.

۲

بشر دوستی را که در آن اعصار از میان مردم رحمت بر بسته و حتی در بین نزدیکترین افراد خانواده مثل پدر و فرزند بخاموشی گراییده بود، زنده نمود.

احیاء این عواطف تا آنجا در روح و اخلاق جامعه اثر گذارد که مردم از مال خود چشم می‌پوشیدند و بستگان نزدیک و مورد علاقه خود را از قسمتی از مال و ثروت خویش محروم می‌نمودند تا وسیله آسایش، سلامت، رشد علمی و سایر نیازمندیهای نسلهای آینده را از طریق وقف تأمین کنند.

مگر همین مردم نبودند که بر اثر فقر مالی و اخلاقی بر سرخرمائی یا شغری یا سوسماری با هم به نزاع برخاسته بجان هم میافتادند و با کشته

سابقاً خاطر نشان کردیم که اسلام با ابتکار مسئله وقف و تشویق به احداث بناهای علمی و بهداشتی و مذهبی از قبیل مدرسه، کتابخانه، بیمارستان، حمام، مسجد، کاروانسرا، و محل تأمین مخارج و نگهداری اینگونه آثار، يك برنامه عالی انسانی را بنا نهاد که با گذشتن بیش از ده قرن از عمر پاره‌ای از موقوفات هنوز ارزش خود را حفظ کرده و میتوان بسیاری از خلاءهای مادی و معنوی را از این راه پر نمود (ولی افسوس که اکنون عواملی پیش آمده که این کار خیر بکلی در میان مردم متروک گردیده و همگان از اقدام به وقف کردن پشیمان شده‌اند) بهر حال اکنون توجه خوانندگان را به این نکته معطوف میداریم که اسلام چگونه عواطف

مکتب اسلام

تا از شهرهای گمنام و دهات دور از آبادی ، بزرگترین نوایخ علم و دانش سر بلند کنند و قرنها مایه سر بلندی مشرق زمین و جامعه بزرگ اسلامی شوند (۲)

این کاروانسرای مجهز که در وسط بیابانها و در شاهراههای ایران بود یکی از عوامل تحرك و جنبش امور تجاری و حمل و نقل و ارتباط مردم شهرهای مختلف بشمار می رفت و جهانگردانی امثال «شاردن» و «مادام دیولاقوا» که حدود یکصد سال پیش گذارشان باین کاروانسرا افتاده از نزدیک پی باهمیت و ارزش آنها برده و هر يك در این باره شرحی نگاشته اند (۳)

و همچنین هر يك از رشته های وقف و بناهای مختلف ، سهمی در تمدن بشری و رفاه جامعه داشته و دارد که در اینجا جای شرح آن نیست .

* * *

آمار موقوفات

جهانگردان خارجی که از آغاز دوره صفویه تا اواخر عصر قاجار یکی پس از دیگری بایران آمده اند عموماً موقعیکه سخن از بناهای دینی و عام المنفعه بمیان می آید ، هر يك گزارشهای جالب

شدن يك یا چند نفر نزاع پایان مییافت و رسماً دختران خود رازنده بکور میکردند .

مگر در ایران متمدن ، همان موقعیکه به اصطلاح سایه عدل! نوشیروان بر سر همه مردم و حتی حیوانات پرتو افکنده بود ، چنین نبود که از عموم طبقات (جز شاهزادگان ، وزیر زادگان ؛ دبیر- زادگان) کسی حق درس خواندن نداشت و بکسی آزادی استفاده از نعمت خواندن و نوشتن داده نمیشد؛ و بنقل فردوسی حتی با دادن پول تقدیر آوانی برای کمک به قشون کشی شاه بر ضد دشمن ، از طرف کفشگر ، به کفشگر زاده اجازت درس خواندن داده نشد در حالیکه خزانه خالی شده بود و میخواستند از قرضه ملی استفاده کنند (۱)

آیا جز تعالیم نجات بخش اسلام عامل دیگری وجود داشت که این چنین روح نوع دوستی و مبارزه بایی سواد و فقر اخلاقی در همه طبقات برانگیخته شود و هزاران اثر بدیع و بنای خیر بمنظور تأمین آسایش مردم و گسترش علم و توسعه بهداشت در میان افراد بنام «وقف» بوجود آید؟

این مدارس و کتابخانه هائی که در پرتو قانون وقف بوجود آمد خود بهترین وسیله و مشوق بود

(۱) شاهنامه فردوسی بخش مربوط بانوشیروان و گرفتن نوشیروان دژ سقلا را ص ۴۵۲ چاپ

جاویدان نقل از کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»

(۲) بامراجعه بشرح حال بزرگان علم و دانش و شخصیت های اسلامی باین حقیقت پی خواهیم برد که بسیاری از آنها در روستاها و محیط های دور از آبادی بوده اند و تسهیلات دینی ، آنها را از ده نشینی بمالیترین مقام علم و خدمت بجامعه اسلام و تشیع رسانید .

(۳) سفرنامه شاردن ج ۷ ص ۹۶ سفرنامه دیولاقوا ص ۳۵-۳۶ .

جابری میگوید: بعقیده من چون نامبرده به مساجد و مدارس راه نیافته و تمام را ندیده کم نوشته است و کاروانسراها را زیاد (۲)

حمد الله مستوفی قزوینی بسال ۷۴۰ دربارہ موقوفات عضدالدوله و بیمارستان او می نویسد: تعداد آن از «پانصد» درگذرد و بر آن موقوفات بیشتر است اما از آن کم به موارد استحقاق میرسد و اغلب در دست «مسئکله» است (۳)

و دکتر احمد عیسی بک در «تاریخ البیمارستانات! فی الاسلام» می نویسد: این بیمارستانها با تجهیزات هرچه کاملتر و وسایل هر چه بیشتر با مأموریت بیست و چهار دکتر و جراح و چشم پزشکی و تعداد زیادی کارمندان بخشهای مختلف با موقوفات زیاد جهت اداره بیمارستان، در صفر ۳۷۲ افتتاح شد اما بعداً موقوفاتش بدست یکنفر «یهودی» افتاد و بیمارستان دچار خرابی و آشفتهگی شد.... (۴)

و نیز او حکایت از دهها بیمارستان مجهز در بلاد ایران و جاهای دیگر نموده که نخست موقوفاتش و سپس خود بنای آن دستخوش تجاوز و خرابی قرار گرفته است.

و نیز شاردن فرانسوی در مورد قناتهای زیر زمینی ایران می گوید: فاصله هشت تا ده

و سودمندی در کم و کیف این آثار میدهند که ضمناً معلوم می شود تا چه اندازه تحت تأثیر مظاهر تمدن اسلامی قرار گرفته اند و هر يك با اعجاب و شگفتی فراوان همچون مصادر تاریخی حاکی از عصر دیالمه بیعد، شرح مفصلی پیرامون موقوفات ایران و رقم عواید آن و توجه فوق العاده هر طبقه ای بوقف قسمتی از دارائی خود و افزایش پی در پی آمار موقوفات، و متن و قفنامه های مربوط به این آثار، و بالاخره لعن و نفرین های داغ واقفان را بر حیف و میل کنندگان موقوفات نگاشته اند.

خواندن این گزارشها از يك طرف مایه تعجب - از همت های عالی و طرز تفکر واقفان - و از طرف دیگر مایه تأسف - از جرئت و جنایت از بین برندگان موقوفات - میباشد و اینک برای اطلاع خوانندگان ارجمند به برخی از آنها اشاره میشود:

مادام دیولافوا: کاروانسراهای عصر شاه عباس را که مثل مهمانخانه های اروپا - اما رایگان - مورد استفاده عموم مسافران و سیاحان واقع می شده؛ ۹۹۹ باب نوشته است (۱)

شاردن کاروانسراهای اصفهان را زمان شاه سلیمان ۱۸۰۰ باب و مساجد را ۱۶۰ و مدارس دینی را ۴۸ و حمامها را ۲۷۳ نگاشته ولی

(۱) سفرنامه این که مربوط به سال «۸۸۱» تا «۱۸۸ م» است ص ۳۵-۳۶.

(۲) تاریخ اصفهان و ری ص ۳۲

(۳) نزهة القلوب ص ۱۳۸ (منظور از مسئکله، موقوفه خواران است)

(۴) « ص ۱۸۷

۳۸۵۱۹	مجموع رقبات زراعتی
۱۵۸۸۱	مجموع رقبات مستغلات
۷۰۱۵	مجموع امامزاده‌ها، مساجد، مدارس
۵۲۴	مجموع مراتع
۴۱۸	مجموع نخلستانها
۷۶۰۹	مجموع آب‌وقفات
	مجموع معادن از قبیل گچ، سرب و سنگهای
۱۵	ساختمانی و غیر اینها
۳۷۱۳	رقبات مختلف و اشجار
	درآمد رقبات متصرفی در سال ۱۳۳۹
ریال ۳۴۶۵۴۳۱۹	درآمد رقبات غیر متصرفی در سال ۱۳۳۹ ش
۴۰۳۹۴۳	جمع کل درآمد
۲۷۵۴۵۸۳۶۲	روزمه کیهان شماره ۸۸۸۴ مورخ ۱۳۲۱/۵/۱۲
	و روزنامه اطلاعات نیز در همین تاریخ نوشته است:
	برائتر تحقیقات اخیر سی هزار قطعه زمین
	وقفی! در استان تهران کشف شده و قبلاً تنها
	هشت هزار رقبه وقفی مربوط باستان تهران بوده.
	راستی اگر این همه دهات در دست، مزارع، باغها،
	سراها، حمامها، مدرسه‌ها و حتی بسیاری از
	خانه‌های نو بنیاد، یارای سخن داشتند یا شکاف
	و شکن طاقها و دیوارهای این ابنیه نیمه ویران
	که در سراسر ایران بچشم می‌خورد دهان بود
	فریاد موقوفه و ممنوع‌التصرف بودن آنها بگوش
	همه میرسید و سیل لعن و نفرین واقفین خود را

فرسنگ و بعضی جاها سی فرسنگ آب کوه‌ها را بجلگه و مراکز خشک و بی‌آب میرساند. آنگاه می‌نویسد: در خراسان فقط چهل و دو هزار کاریز وجود داشته که عمق بعضی به ۷۵ ذرع میرسیده است (۱)

گذرینه آثار تاریخی اصفهان (۲) چهل و هشت باب مدرسه علوم دینی را در اصفهان با مشخصات محلی و ساختمانی معرفی نموده که در حال حاضر تقریباً تعداد بیست باب آن در اختیار محصلین علوم دینی قرار دارد و چهار باب آن برخلاف نظر واقف در تصرف دبستان و دبیرستان دخترانه دولتی است و بقیه به همراه موقوفاتش وسیله موقوفه خواران از بین رفته و گاهی بر اثر رفته افغان یا حوادث دیگر محو گردیده است.

مؤلف «تاریخچه اوقاف اصفهان»
 باسناد و قفنامه‌ای بخط عالم بزرگوار شیخ بهائی بیش از ۵۰ باب وقف که اکثر، دهات بزرگ در بست، یا چند دانگی بوده و بقیه خانه، باغ، بازار و مغازه بعنوان موقوفات مسجد شاه اصفهان معرفی میکند که تعدادی از آنها در اردستان و بقیه در خود اصفهان یا اطراف آن واقع شده و اکنون بیشتر آنها از بین رفته است و از این قبیل موقوفات در کتاب نامبرده زیاد معرفی شده است.
 آقای دکتر علی اکبر شهابی در «تاریخچه وقف در اسلام» شرحی راجع به آمار و نوع موقوفات ایران نگاشته که ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد:

(۱) سیاحتنامه شاردن - ترجمه عریضی - ج ۲۰۲۴

(۲) تألیف دکتر هنرفر رئیس پیشین باستان‌شناسی اصفهان چاپ ۱۳۴۴

نوع نیازمندیهای مختلف مردم از هر طبقه‌ای، دامنه وقف بخارج کشور نیز رسید و مثل نجف آباد اصفهان (که نخست بصورت دهکده‌یی بود و شاه عباس آنرا آباد و بمناسبت وقف بر نجف اشرف بدین نام شهرت یافت) (۴) و بازارهای اطراف میدان را که شامل حدود دویست باب مغازه‌های بزرگ است با کاروانسرای بزرگ میدان و بازار قیسریه و حمام شاه معروف را وقف برای کمک معاش سادات حسینی مدینه و نجف اشرف نمود که عوایدش بین آنها بامناصفه توزیع شود (۵)

برای اطلاع بیشتر، بمصادر نامبرده و سفرنامه «هانری رنه» آلمانی فرانسوی «از خراسان تا بختیاری» و سفرنامه «تاورنیه» ترجمه ابوتراب نوری «نظم الدوله» ورحله ابن بطوطه ضمن مساجد ومدارس شام و مصر مراجعه شود.

نثارمختلفان مینمود و دیگر کسی جرئت هیچگونه معامله یا تصرف بر خلاف وقف در مورد آنها را نداشت.

بهمین دلیل و بر اثر نبودن زمین بایر و محل آزادبود که مثلاً در اصفهان شاه عباس اول و مریم بیگم و دیگر بانیان خیر برای تکمیل رقبات موقوفه مدرسه چهارباغ، مسجد شاه اصفهان، مدرسه مریم بیگم، مدرسه نرویه (۱) و مانند آن به سراغ زمین و باغ در کاشان، سمیرم، فسا و مرو دشت شیراز رفتند و کمبود موقوفات را تأمین نمودند (۲) که هم اکنون طبق مدارک موجود (۳) املاک مهم و رقبات پر درآمدی در اطراف کاشان وقف مدرسه چهار باغ سلطانی است!

در پایان اینمقال توجه باین مطلب نیز مناسب است که در آن زمانها بر اثر وفور موقوفات و تأمین

ارزش خود را بشناس

ماهک امرؤ عرف قدره

هر کس شخصیت خود را آنچنانکه هست بشناسد! به هلاکت نخواهد افتاد.

(۱) تاریخچه اوقاف اصفهان ص ۵۴

(۲) مدرک سابق ص ۸۲

(۳) مدرک سابق ص ۳۷

(۴) مصدر سابق ص ۴۳۳

(۵) تاریخ القصص الخاقانی نسخه خطی دانشکده ادبیات اصفهان.